

دیدگاه

لڙوم تغيير پازل جنگ انرژي ازهر مزبه قفقاز

تهدیدهای مکرر رژیم صهیونیستی علیه امنیت ملی ایران و تداوم جنایات رژیم در منطقه، نیاز مبادی تعریف جدی در د کترین باز دارندگی کشور است. واقعیت این است که در نبرد استراتژیک، اهمیت فشار بر ر گ های حیاتی بسیار اهمیت دارد. در این راستا هر چند انسداد گذر گاه های سنتی نظیر تنگه هر مز یا باب المندب در جای خود اجد اهمیت است، اما هیچ کدام به تنهایی پایان بخش معادله جنگ کنونی به نفع ایران نیستند. در جنگ مدرن انرژی، برنده کسی است که فزاتر از مسدودسازی فیزیکی راه ها، هزینه های حریف را به طور تصاعدی بالا ببرد، مسیر های جایگزین را نامن و گران کند و دشمن را به عقب نشینی محاسباتی وادار سازد.

تأمین ارز با بازدارندگی فرسایشی؛ لزوم ضربه به زنجیره تأمین

در پیای یک طرفه به قواعد سنتی در شرایطی که تعهدات منطقه‌ای، دریایی و بازرگانی را باهازای سوزی جبهه مقابل نقض شده است، نمرای جز فرسودگی می‌نار بازدارندگی ملی ندارد بر همین اساس، پاسخ ایران نبایدواکنشی مقطعی، سوزی‌گرایانه و غیره باشد، بلکه باید مستقیم‌تر زنجیره تأمین ارز را از میان بردارد.

باید در نظر داشت اگر چند تنگه هرمز شاهرک جهانی نفت است، اما بازار جهانی انرژی صرفاً با واقعیت عرضه و هدايت نمی شود، بلکه «انتظار روان شناختی بازار» نیز محرک قوی است. شوک های کوتاه مدت چند روزه در هرمز، به سرعت توسط ذخایر استراتژیک، مسیرهای احتمالی جایگزین و مدیریت و سستی بازار هضم می شوند. بنابراین، باید به دنبال نقطه فشار موثرتری گشت.

قفقاز جنوبی، پاشنه آشیل جدید انرژی اسرائیل

در این میان، تحلیل داده‌های آماری نشان می‌دهد پاشنه آشیل واقعی رژیم صهیونیستی در حوزه انرژی، نه در خلیج فارس که در حوزه هزرو و قفقاز نهفته است. بر اساس گزارش‌های معتبر بین‌المللی (از جمله رويترز)، واردات نفت اسرائیل از جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۲۵ به ۹۴ هزار بشکه در روز افزایش یافته که رشد چشمگیری ۳۱ درصدی را نسبت به سال قبل نشان می‌دهد. به بیان دقیق‌تر، نفت آذربایجان سهمی به ۴۶ درصد از کل واردات نفت اسرائیل را به خود اختصاص داده است؛ یعنی تقریباً از هر دوشده نفت مصرفی در سرزمین‌های اشغالی، یک‌بشکه از آن وارد آذربایجان تأمین می‌شود.

هر گونه اخلاص، حتی محدود و موقت در این مسیر، اثر مستقیم و مخربی بر فعالیات پالیسی‌ها، سیستم حمل و نقل، قیمت‌تمام‌شده سوخت و امنیت عرضه در اسرائیل خواهد داشت. در اقتصاد سیاسی انرژی، تعلیق موقت این شریان یعنی چپش بی سابقه‌تر خیمه کشتی‌ها، هزینه‌های سرسام‌آور حمل و نقل و تحریک عصبی بازار.

خزر؛ پهنه‌ای دور از سایه مستقیم ایالات متحده



یکی از مزیت‌های استراتژیک حوزه دریای خزر نسبت به خلیج فارس، عدم حضور سنگین و مستقیم ناوگان نظامی آمریکا و ناتو در آن است. فاصله جغرافیایی، پیچیدگی‌های عملیاتی منطقه و چندان‌لایه بودن مسیرهای انتقال باعث می‌شود که حتی یک اقدام محدود اما بسیار دقیق در این حوزه، تأثیرات جدی‌تری باز دارنده و به مراتب عمیق‌تر از بستن موقت تنگه هرمز داشته باشد.

تجربه‌های پیشین نظیر عملیات پهپادی علیه تاسیسات از امکور خدادیدنر
فخیر هات کرد که ضربات نقطه‌ای و هوشمندانه، محاسبات امنیتی حریف
را در گون می‌سازد؛ چرا که پیام روشن آن «عدم وجود هیچ مسیر امن برای
انتقال انرژی» است.

اهرم‌های سیاسی ایران در مرزهای شمالی

جمهوری آذربایجان در این پازل، نقشی محوری دارد. سوابق تنش‌ز
نخجوان
استفاده پیمان‌های هم‌رژیم صهیونیستی از خاک نخجوان
برای عملیات خرابکارانه علیه تأسیسات و تانک‌های متعدّد از حضور
اطلاعاتی اسرائیل در مرزهای شمالی ایران، این ضرورت را ایجاد می‌کند
که تهران فشار متقابل را دقیق‌تر در نقطه حساس انرژی تعریف کند.

ملاوه‌ور این، بالاتکلیفی بخش‌هایی از رژیم حقوقی دریای خزر فرضی دیپلماتیک و امنیتی برای ایران فراهم می‌آورد. تغییرات امنیتی در این مسئله‌ای می‌تواند وزن سیاسی بازیگران را بازتعریف کند. نشان دادن این واقعیت که ثبات خزر بدون در نظر گرفتن منافع حیاتی تهران ممکن نیست، دست‌برتر برای ارا در مذاکرات مربوط به سه‌مرکز، ترازیت، امنیت و گشتی‌رانی تضمین خواهد کرد. پیام تهران واضح است: تداوم آرامش خزر مستلزم به رسمیت شناختن خطوط قرمز ایران است.

بازی با کارت ترکیه و ائتلاف های پشتیبان

شده و از آن جا بفتک‌ش‌ها را می‌بندارم رژیم صهیونیستی می‌شود. این نشان می‌دهد که شریان بقای اسرائیل به گلوگاه‌تر که گره خورده است. در صورت بروز تنش کنترل شده و هوشمندانه در حوزه خزر، ترکیه احتمالاً به ابراهام مخالفت‌های دیپلماتیک بسنده خواهد کرد؛ زیرا ابراهام عملیاتی، نه بانه‌ها، سنگ، اقتصاد و امنیت، به آنکس که به همه‌ها خواهد داشت.

باز دارندگی فعال یعنی ایجاد فضایی که در آن، نه تنها دشمن اصلی ضربه بپذیرد، بلکه ائتلاف‌های پشتیبان و کشورهای واسطه نیز از وروده تنش و پرداخت هزینه هر اسان باشند.

با اقتباس از یادداشت مجتبی توانگر در روزنامه همشهری

[illegible]

صادراتی است. تازمانی که این دیوار به اعتمادی فرونیزد و رور دیول های فروش ۱۷ قلم؛ محصولات خود را با مجوز سازمان غذا و دارو افزایش داده است. به طور همزمان، شرکت داروسازی «زهرایی» نیز از افزایش نرخ فروش ۲۳ قلم از محصولات تولیدی خود پرهیز داشت.

ناترازی انرژی؛ عبور از بحران با مدیریت هوشمند

یکی از پیچیده‌ترین گره‌های کور مسیر صعودی بازار، صنعت انرژی است. آسیب‌های وارد شده به زیرساخت‌های گازی پارس جنوبی و ناترازی مزمن انرژی، زنگ خطری جدی برای صنایع گازبر و پتروشیمی در زمستان پیش‌رو است. دکتر شاکری معتقد است مدیریت این بحران نیازمند یک جراحی ساختاری است: «ما با فقدان مدل اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی مواجهیم. وقتی نرخ بازدهی پروژه‌های نیروگاهی یا پتروشیمی برای بخش خصوصی شفاف نیست، کسی در این بخش عمیق سرمایه‌گذاری نمی‌کند.»

ابواری عبور از زمستان ۱۴۰۰: نسخه‌ای واقع‌بینانه می‌پسند: اولویت بندی واحدها. به جای توقف همگانی صنایع که به تخریب تولید آسیب می‌زند، باید واحدها بر اساس ضرورت استراتژیک رتبه‌بندی شوند. همچنین، استفاده

در حوزه سیاست‌گذاری کلان نیز، نامه‌سازمان بورس به ناشران جهت شفاف‌سازی هزینه‌های مسئولیت اجتماعی (CSR) که در هفته‌های اخیر جنجال برانگیز شده بود، مورد توجه قرار گرفت. همزمان، لاهوتی عضو کمیسیون بحران از انجام دهنده‌تاسودآوری صنایع پتروشیمی به خطر نیفتد.

صعودی که باید ساختارمند شود

در نهایت، بازار آرسر مایه در ۱۷ مرداد ۱۴۰۵، در بهترین موقعیت خود در سال‌های اخیر گرفتار قراقرز افتست. اما این «ارتقا جدید» که با نقدینگی خردفروش شده، به همان اندازه که می‌تواند نماد قدرت باشد، می‌تواند نماد آسیب‌پذیری نیز باشد. «بیم» سازان آن ناپایداری صعود، تنها با «امید» به اصلاحات ساختاری در مان می‌شود.

برای آن که شاخص ۵.۵ میلیونی به‌سکوی پرتاب تبدیل شود، دولت و گویا اکوایران، هشداری جدی به‌بازار می‌دهد. او معتقد است که نباید «کاهش یک‌هشتم‌های سیاسی» (که الان به‌نوعی بآن روبه‌رو هستیم) را با «رشد اقتصادی» شنباه گرفت؛ کاهش تنش‌ها، تنها شرط لازم است؛ نه شرط کافی. ما باید یک‌هشتم داخلی و ساختاری عمیق‌تر روبه‌رو هستیم؛ نه زهر پیه‌ها و بالاتر از آن، بانک‌های گرفتارتابی ثباتی مقرر است که انگیزه سرمایه‌گذاری را سرکوب کرده است. و بر این اساس، اگر بازار سرمایه بخواد قله‌های فعلی را تثبیت کند، نباید اقتصاد را پیش‌بینی پذیر کرد. باز در گفته‌های شری، سرمایه‌گذار در ایران امروز، درگیر عدم اطمینان نسبت به‌نرخ ارز، درم‌فول قیمت‌گذاری انرژی و سیاست‌های

معمای تورم خدمات در ایران

چرا تورم کالا از خدمات سبقت گرفته است؟

در حالی که تورم سالیانه کالا در تیرماه به ۸۶/۱ درصد
رسید؛ تورم خدمات ۳۹ درصد شد.

به گزارش تسنیم، بررسی داده‌های بانک مرکزی از روند تورم مصرف کننده نشان می‌دهد در تیر ماه امسال شکاف قابل توجهی میان تورم کالا و خدمات ایجاد شده است؛ به طوری که تورم سالیانه کالاها به ۸۶/۱ درصد رسیده، در حالی که تورم سالیانه خدمات تنها ۳۹ درصد بوده است.

بر این اساس، تورم کالاها در تیرماه ۴۷/۱ واحد درصد
بیشتر از تورم خدمات بوده است؛ شکافی که در روند
ماه‌های اخیر نیز به تدریج بزرگ‌تر شده است.

داده‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد نرخ تورم سالانه کالاها از ۲۴٫۹ درصد در تیرماه ۱۴۰۴ به ۲۶٫۷ درصد در مردادماه، ۳۸٫۷ درصد در شهریور، ۴۲٫۱ درصد در مهر، ۴۴٫۸ درصد در آبان، ۴۸٫۱ درصد در آذر، ۵۲٫۱ درصد در دی، ۵۵٫۶ درصد در بهمن، ۶۱٫۱ درصد در اسفند، ۶۵٫۵ درصد در فروردین ۱۴۰۵ به ۷۲٫۳ درصد در اردیبهشت و ۷۹٫۱ درصد در خردادماه افزایش یافته و نرخ تورم ماهی ۸۶٫۱ درصد سیده‌است.

در مقابل، تورم سالانه خدمات طی همین دوره نوسان بسیار محدودتری داشته و از ۴۰/۲ درصد در تیرماه ۱۴۰۴ به ۳۹/۴ درصد در مرداد، ۳۹/۲ درصد در شهریور، ۳۸/۱ درصد در مهر، ۳۷/۶ درصد در آبان و ۳۷/۳ درصد در آذرماه کاهش یافته است. تورم خدمات در طی بهمن نیز در محدوده ۲۷ درصد قرار داشته و پس از آن در اسفندماه و فروردین به ۱۴۰ و ۲۶/۹ درصد رسیده است. این نرخ در اردیبهشت ۳۷/۳ درصد و در خرداد ۳۸ درصد ثبت شده و تیرماه به ۳۹ درصد رسیده است. اهمیت این شکاف زمانی بیشتر می شود

تصميم مهم بنزینی دولت

هیئت وزیران با اصلاح آیین نامه اجرایی قانون
ساماندهی صنعت خودرو، نقشه جدید اسقاط
و شماره گذاری و وسایل نقلیه را ابلاغ کرد.

به گزارش فارس، محدودیت‌های شدید برای فرسوده‌ها وضع شد؛ خودروهایی به سن فرسودگی برسد، سهمیه سوخت قطع می‌شود، ترددشان در کلان‌شهر ممنوع می‌شود و فرایند نقل و انتقال پلاک‌شان متوقف می‌ماند. در مقابل، برای اتومبیل‌های مشقوق‌های ویژه‌ای در نظر گرفته شده است.

این مصوبه، اصلاحیه‌ایین نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون ساماندهی صنعت خودرو مصوب اسفند ۱۴۰۲ است. دولت با پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت، این آیین نامه را برای سال ۱۴۰۵ بازنگری کرده و ابهام‌های موجود در تعریف خودروهای هیبریدی و پورف و عوارض اسقاط خودروهای تولید داخل و وارداتی به صورت دقیق تفکیک شود.

در اصلاحیه جدید، شماره گذاری خودروهای نوینوشماره به ارائه گواهی اسقاط از گروه کاربری پایه منوط شده است. پلیس راهور باید برای دوربین های نظارتی، کد جرمه اختصاصی شناسایی خودروهای فرسوده تعیین کند و سکوهای حمل بار و مسافر اجازه استفاده از خودروهای فرسوده را نخواهند داشت.